

رہبران مشروطہ

جزوہ دوم

میرزا ملکم خان

از :

ابراہیم صفائی

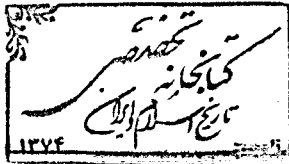
جزوة سوم بیوگرافی
امین الدوله خواهد بود

DSK
۱۳۰۹۵

۲۰ ریال

مکتبہ اسلامیہ

رہبران مشروطہ



جزوہ دوم

میرزا ملکم خان

از :

ابراہیم صفائی

مجموع جزوه های « رهبران
مشروطه » بیست جزوه است که
هر دو ماه يك جزوه بنام یکی از
رهبران با ذکر بیوگرافی مستند
منتشر خواهد شد و سعی میشود
چهره سیاسی و واقعی هر يك
از رهبران را با مدارك معتبر
بخوانندگان این جزوه ها نشان
دهیم و خدمت و خیانت را بازگو
کنیم ، امید است اگر لغزشی
پیش آید از باب تحقیق باصلاح
آن بکوشند .

کتابهای مستند این جزوه

- | | |
|------------------------------------|----------------------------------|
| ۱۱- یادداشت‌های اعتمادالسلطنه | ۱- تاریخ روابط ایران و انگلیس در |
| ۱۲- حیات سیاسی سیدجمال‌الدین | قرن ۱۹ |
| ۱۳- مشاهیر الشرق | ۲- خاطرات سیاسی امین‌الدوله |
| ۱۴- انقلاب ایران | ۳- مجموعه آثار میرزا ملکم‌خان |
| ۱۵- الدراسات الادبيه | ۴- انقلاب ایران |
| ۱۶- نامه خسروان | ۵- تاریخ بیداری ایرانیان |
| ۱۷- مجموعه اسناد و مدارك چاپ نشده | ۶- سبك شناسی |
| سید جمال‌الدین | ۷- تاریخ مسعودی |
| ۱۸- روزنامه اطلاع | ۸- زندگانی من |
| ۱۹- فکر آزادی | ۹- کتاب سال ۱۳۴۲ کیهان |
| ۲۰- سفرنامه سوم فرنگ ناصراالدینشاه | ۱۰- عصر بی‌خبری |

رهبر یا بازیگر دوم مشروطه «میرزا ملکم خان» فرزند میرزا یعقوب ارمنی است، یعقوب اهل جلفای اصفهان بوده و تحصیلات متوسطی داشته و زبان فرانسه را خوب میدانسته در زمان سلطنت محمد شاه قاجار با اتفاق ملکم فرزند خردسال خود بطهران آمده و معلم زبان فرانسه و مترجم سفارت روس شده وظل السلطان را نیز درس داده است، یعقوب دینانت مسیح را ترك گفته و مسلمان شده ولی این پذیرفتن دین اسلام صوری و برای پیشرفت در مراتب زندگی سیاسی و اجتماعی بوده است، زیرا، پس از فوت بوصیت خودش او را در مقبره ارمنی های استانبول دفن کردند سپس ملکم برای حفظ حیثیت سیاسی خویش جسد پدرش را بقبرستان مسلمانان انتقال داد (۱).

گفته اعتمادالسلطنه درباره یعقوب «که مینویسد (شخصی بود بی باک و ناپاک، حالت شتر مرغ داشت، هر وقت در صدد استفاده‌ئی از دولت ایران بود، خود را فدوی دولت قلمداد میکرد و احیاناً اگر بوی نفعی از جای دیگر بمشام او میرسید یکباره وطنپرستی و ایرانی بودن از یاد او میرفت) (۲) نیز حاکی از بی اعتقادی و تلون او میباشد.

(۱) ص ۱۲۱ تاریخ بیداری . (۲) شماره ۷۸ روزنامه اطلاع چاپ صفر ۱۳۰۸ قمری .

يعقوب که مردی روشنفکر و متجدد بود و زبان فرانسه را خوب میدانست در طهران با رجال و درباریان از جمله با امیر کبیر آشنا شد و بتوصیه آنان فرزند خود ملکم را در ۱۷ سالگی برای تحصیل بفرانسه فرستاد، « ۱۲۶۶ ق » ملکم تحصیلات متوسطه را در پاریس در مدرسه مخصوص ارامنه طی کرده سپس دوره مدرسه عالی « پلی تکنیک » را گذرانید و با موریسیسی آشنا شد، ملکم در اروپا از هوش و قریحه خداداد خود استفاده کرده در علوم طبیعی ممارستی نمود و بعضی از « تردستی » ها و شعبده های معمول فرنگ را نیز آموخت، ضمناً بمحافل سری فراماسونی پیوست و با ترتیب و اصول سازمان و عقاید این محافل خوب آشنا شده با اندوخته هایی از دانش و تجربه و اطلاعات جامعی از نظام اجتماعی و رژیم دموکراسی بایران بازگشته بدستور میرزا آقا خان نوری صدراعظم وقت بعنوان مترجم استادان اطریشی بخدمت دارالفنون در آمد و علاوه بر سمت مترجمی شخصاً نیز بتدریس جغرافیا و علوم طبیعی پرداخته بزودی در جمع دانشجویان دارالفنون نفوذ و محبوبیتی بهمرسانید.

ناصرالدینشاه که هنوز در عنقوان جوانی بود ضمن سرکشی به دارالفنون ملکم را شناخت و ملکم با نشان دادن چند رشته از کارهای شعبده بازی و چشم بندی توجه او را بخود جلب کرد (۱) پس از این نمایشها ملکم گاهی بعنوان مترجم بدربار احضار شده مورد توجه شاه و صدراعظم قرار میگرفت.

در همین اوقات بنا بوساطت ناپلئون سوم قرار شد هیئتی برای مذاکره

(۱) ص ۱۲۰ تاریخ بیداری.

در باب اختلاف ایران و انگلیس نسبت بحق حاکمیت بر افغانستان بریاست فرخ‌خان امین‌الدوله کاشی (سفیر ایران در فرانسه) پاریس اعزام گردد و با سفیر دولت انگلیس در پاریس وارد مذاکره شوند (۱۲۷۲ق). ملکم نیز عضو این هیئت شد و چون زبان فرانسه را خوب میدانست و باوضاع اروپا آشنائی داشت کارهای او مورد توجه واقع گردید. این هیئت عهدنامه پاریس را که رافع حق حاکمیت ایران بر افغانستان بود تنظیم کرد، ناصرالدین‌شاه هم با تهدیداتی که قبلاً در موقع قشون‌کشی بهرات از طرف دولت انگلیس دیده و منجر بقطع روابط سیاسی دو کشور شده بود چاره‌ئی جز قبول نداشت و لسی از این شکست سیاسی بسیار دلتنگ بود و بهمین مناسبت چندی پس از مراجعت هیئت نمایندگی میرزا آقا خان را که مسئول حقیقی عقب‌نشینی از هرات و تجاوز قوای انگلیس بخارک و بوشهر و محمره بود از صدارت معزول کرد و برای اینکه کارهای کشور تمام در دستگاه صدارت متمرکز نباشد و ضمناً جوابی هم به نارضایتی روشنفکران ایران بدهد پس از عزل میرزا آقا خان برای نخستین بار هیئت وزیرانی مرکب از شش وزیر تشکیل داد و وظایف صدارت را تقسیم کرد، این وزراء صدراعظم نداشتند بلکه مستقیماً زیر نظر شخص شاه بودند و میرزا جعفر خان مشیرالدوله که رئیس شورای دولتی نیز بود از طرف شاه وظایف وزیران را کنترل میکرد (۱۲۷۵ق) (۱).

ملکم در این اوقات حاصل مطالعات خود را در نظم اجتماعی اروپا بصورت رساله‌ئی باسم «کتابچه غیبی» نوشت و آنچه برای پیشرفت و تقویت مملکت از نظر سازمان کشوری و لشکری و وضع قوانین لازم بود

تحریر کرد و آن رساله را بعنوان پیشنهاد برای اصلاح و ترقی کشور
بوسیله مشیرالدوله بشاه تقدیم نمود .

بدیهی است هدف اصلی ملکم آن بود که اظهار وجودی کرده
باشد و خودش را معرفی کند (۱) مندرجات این رساله و راههای اصلاحی
که در آن نشان داده شده بود مورد توجه شاه قرار گرفت و در صد
اجرای آن طرحها برآمد ولی رجال و درباریان بامعاذیر گوناگون
و عدم تطبیق آن طرحها با اوضاع و احوال ایران شاه را منصرف کردند (۲)
اما ملکم از تعقیب فکر خود باز نایستاده برای آشنا کردن مردم بتمدن
و نظامات جدید و برانگیختن افکار با کمک پدرش بنائیس « جمعیت
فراماسون » بنام « فراموشخانه » یا « جامع آدمیت » پرداخت ،
(۱۲۷۶ ق) (۳)

در صورت ظاهر رهبری این جمعیت با پدر ملکم بود و شاهزاده
جلالالدین میرزا پسر فتحعلیشاه که شاعر و نویسنده زبردستی نیز بود

(۱) نسخه خطی اصل این رساله در نزد نگارنده موجود و متن آن نیز
در کتاب مجموعه آثار میرزا ملکم خان چاپ شده است . (۲) ص و مقدمه
آثار میرزا ملکم خان . (۳) ص ۱۱۸ تاریخ بیداری - فراماسون در اصل
از دو کلمه Free (فری) و Mason (ماسون) ترکیب شده یعنی آزادی و
بنای سنگکار - وجه تسمیه این جمعیت چنین است که در قرون وسطی در
انگلستان پادشاهان ستمگر مردم را به بیگاری می گرفتند و مردم ستمدیده برای
رهائی از رنج يك سازمان سری بهمین نام «فری می سن» بوجود آوردند که تا قرن
۱۶ يك سازمان برای دفاع از حقوق کارگری بود ولی از قرن ۱۷ و ۱۸ ببعد
رنگ سیاسی پیدا کرد و انگلیس و فرانسه بمنظور پیشرفت هدفهای استعماری
آنها تقویت کردند و در همه جهان گسترش یافت .

در اداره این جمعیت نقشی بعهده گرفت (۱) اما در حقیقت اداره کننده اصلی فراموشخانه شخص ملکم بود .

تبلیغات فراموشخانه محرمانه صورت می گرفت ولی کم کم مردم مطلع از اسرار آن خبردار شدند ، با این حال جمع بسیاری از شاگردان ملکم و جوانان دارالفنون و گروهی از روحانیان و رجال باین جمعیت پیوستند ، ناصرالدین شاه با آنکه از وجود این تشکیلات آگاه بود در آغاز کار بحکم اعتقادی که بملکم داشت از مرام سیاسی آن نگران نبود زیرا بر حسب تلقین ملکم چنین می پنداشت که در فراموشخانه علوم طبیعی و حیل دستی و چشم بندی و آداب تمدن غربی و زبان فرانسه بمردم می آموزند (۲) در حالیکه هدف اصلی ملکم بحکم اصول فراماسونی تحقیر آداب و رسوم ملی و بی ارج نمودن معتقدات مذهبی بمنظور آمادگی مردم برای تغییر رژیم حکومتی بود ، منتها بروش محافل فراماسون این هدف های پنهانی را در زیر نقاب تعلیمات و اصلاحات بمردم می آموخت (۳) ولی حتی الامکان میکوشید که نیت جمعیت را آشکار نکند و برای نیل بمقصود، منظور واقعی خود را بار و حیات و عقاید ایرانیان تطبیق داده و نیت خود را زیر نقاب دین می پوشانید (۴) .

-
- (۱) مقدمه آثار ملکم - توضیح : نامه خسروان مشتمل بر خلاصه تاریخ ایران بفارسی سره تألیف جلال الدین میرزا میباشد که در سه جلد بقطع جیبی و چاپ سنگی و خط نستعلیق در ۱۲۸۸ قمری چاپ شده است .
- (۲) مقدمه آثار ملکم ، ص ۳۷۴ جلد سوم سبک شناسی .
- (۳) ص ۱۸۲۳ تاریخ روابط ایران و انگلیس در قرن ۱۹ .
- (۴) مقدمه آثار ملکم .

ملکم بارو حانیان ور جالیکه اصلاح طلب بودند محرمانه تماسها گرفته و آنان را بهدفع خود آشنا میکرد و جمعی هم با او همراه شدند و مسلک فراماسونی را بارث در خاندان خود نهادند .

یکی از روحانیان صاحب نفوذی که باین جمعیت ملحق شد سید صادق طباطبائی است که شخصاً نیز بآزادی افکار عقیده داشت .

باتوجه بنفوذ و تقوی و روشن بینی طباطبائی، ملکم برای همفکر کردن یا بدام کشاندن او مدتها میکوشید ولی طباطبائی حتی از پذیرفتن ملکم خودداری مینمود ، بالاخره روزی که مرحوم طباطبائی در دربند مهمان سیدعلی دربندی بود ملکم مطلع شد و خود را بآنجا رسانیده سرزده وارد شد و تقاضای ملاقات نمود .

مرحوم طباطبائی ناچار برای يك ربع ساعت او را پذیرفته با وی خلوت کرد ولی گفتگوی آندو شش ساعت طول کشید ، سرانجام وقتی که ملکم عزم برخاستن داشت مرحوم طباطبائی مکرر او را امر بتوقف نمود .

از گفتگوی آندو کسی آگاه نشد ولی با روشن بودن هدف سیاسی ملکم و معلوم بودن اصول تعلیمات فراماسونی، که او تبلیغ آنرا وجهه همت قرار داده بود، میتوان مفاد آن گفتگوی محرمانه را دانست، ناظم الاسلام کرمانی گفته: ملکم بوجه اتم و اکمل منظور خود را جاری ساخت و طباطبائی را منقلب ساخته بامقاصد خود همراه کرد و طباطبائی بعدها این ودیعه را بفرزند خود مرحوم میرزا سید محمد طباطبائی داد: (۱).

باری ، در وقتی که از مردم ایران کمتر کسی از نظام اجتماعی

(۱) صفحه ۱۲۰ تاریخ بیداری ایرانیان .

وقانون و تمدن غربی اطلاع داشت ملکم با شور و حرارتی عجیب این مسائل را بمیان کشید و چون اظهارات و نوشته‌های او در آن اوقات خیلی مؤدبانه و بدون حمله و انتقاد باشخاص یا حکومت تنظیم میشد و فقط جنبه راهنمایی داشت هم در افکار تأثیر مینمود و هم ناصرالدینشاه از راهنمایی‌های او بدش نمی‌آمد و باو عقیده داشت (۱).

همینکه حادثه شکست ایران در مرو پیش آمد و قشون ایران در اثر حماقت حشمت الدوله عموی شاه و قوام الدوله داماد فرهاد میرزا شکست خورد و عده‌ئی از جمله محمدحسنخان قره سرتیپ کشته و جمعی فراری شدند، ملکم انتقاد را بی‌پرده نوشت بخصوص وقتی که قوام الدوله فرمانده نالایق شکست خورده ایران را با امر ناصرالدینشاه بالباس کر باس و کلاه نمدی سواریا بوی برهنه تحت نظر فراشهای غضب بار سوائی بطهران وارد کرده در کوچه‌ها گردش دادند و شلاق بر سر و مغز او زدند (۲) ملکم که آزرده گی خاطر شاه را از حادثه مرو میدانست در انتقادی بی‌پروائی کرد و تشکیلات فراموشخانه را رونقی تازه داد.

رفته رفته از کار جمعیت فراماسون پرده بیکسو شد و نیت سوء آنان آشکار گردیده میرزا محمدخان سپهسالار بصدور جلو گیری از این جمعیت برآمد، روسها هم که از پیدایش این گونه افکار تازه در ایران خوشبین نبودند ذهن شاه را متوجه خطر این افکار نمودند (۳) در نتیجه روز پنجشنبه ۱۲ ربیع الثانی ۱۲۷۸ قمری اعلانی باین شرح از طرف شاه صادر شد و در روزنامه دولتی هم بطبع رسید.

(۱) ص ۳۷۴ ج ۳ سبک شناسی

(۲) ص ۱۲۹ ج ۱ زندگانی من

(۳) ص ح مقدمه آثار ملکم

« در این روزها بعرض رسید که بعضی از اجامر و اوباش شهر گفتگو از وضع و ترتیب فراموشخانه‌های «یوروپ» می‌کنند و بترتیب آن اظهار میل مینمایند . لهذا صریح حکم همایون شد که اگر بعد از این عبارت و لفظ فراموشخانه از دهن کسی بیرون آید ، تا چه رسد بترتیب آن ، مورد کمال سیاست و عقوبت دولت خواهد شد البته این لفظ را ترك کرده و پیرامون این مزخرفات نروند که یقیناً مؤاخذه کلی خواهند دید . »

با صدور این دستخط تشکیلات فراماسون ایران درهم پاشیده شد و جمعی از رجال از جمله جلال‌الدین میرزا تحت نظر و مورد غضب واقع شدند و پدر ملکم که مسئول اصلی این جمعیت شناخته می‌شد باستانبول تبعید گردید ولی تقصیر مستقیمی متوجه ملکم نشده از تنبیه و مجازات مصون ماند .

ملکم چندماه هیچ فعالیت نداشت ولی پس از چندماه فراموشخانه را بنام « جامعه آدمیت » تشکیل داد و رساله‌های پیشنهادی و اصلاحی خود را با انتقادات ملایم محرمانه منتشر میساخت ، تا سال ۱۲۸۰ ق این فعالیت‌های ملکم ادامه داشت تا بالاخره میرزا محمدخان سپهسالار از رفتار ملکم نگران شده اورا نیز از ایران ببغداد تبعید کرد، و در همین ایام جمعی از ایرانیان روشنفکر که با ملکم همکاری داشتند نیز بحکم دولت مجبور بجلای وطن شدند که یکی از آنها میرزا حبیب اصفهانی شاعر توانا و ظریف طبع ایران بود که تا پایان عمر در استانبول می‌زیست (۱) .

(۱) ص ط مقدمه آثار ملکم

ملکم چندی در بغداد بود سپس باستانبول رفت قریب دو سال در استانبول بیکار بود و در همان اوقات بآئین مسیحی بها دختری ارمنی بنام «هانریت» ازدواج کرد و کلاه پوستی ایرانی را از سر برداشته فینه کوتاه قرمز عثمانی بر سر نهاد.

در همین ایام در روزنامه‌های استانبول شروع بفحاشی و هتاکی علیه دولت ایران کرد و تقاضای تابعیت دولت عثمانی را نمود (۱) در این وقت برای ساکت کردن او میرزا حسینخان سپهسالار سفیر دولت ایران بها طهران مکاتبه کرده و به پیشنهاد او ملکم بمستشاری سفارت ایران در استانبول مأمور گردید.

ملکم هنگام اقامت در استانبول با محافل مطبوعاتی و ادبی و سیاسی آن شهر رابطه پیدا کرد و با کامل پاشا و عالی پاشا آشنا شد و کمک‌هایی در حق او مبذول داشتند و بعضی از رساله‌های خود را (از جمله رساله شیخ و وزیر) در همین اوقات تنظیم کرد.

ملکم پس از مدتی کوتاه توجه سپهسالار را بخود جلب کرده بعنوان سرکنسول ایران عازم قاهره شده. در قاهره باعمال انگلیسی آشنا شد و از اسمعیل پاشا خدیو مصر مبلغی در حدود ده هزار تومان اخاذی نمود (۲)، چون این عمل او باعث کسر شأن دولت ایران و اهانت به حیثیت سیاسی کشور بود باستانبول احضار گردید و بیکار شد (۱۲۸۷ ق).

در این هنگام ملکم شغلی در وزارت خارجه عثمانی با ماهی چهل لیره بدست آورده در مطبوعات استانبول بدولت ایران پرخاش

و تهدید آغاز کرد و صریحاً میگفت اگر پست وزارت مختاری باوند دهند اسرار دولت را بوزارت خارجه عثمانی خواهد فروخت (۱).

در سال ۱۲۸۸ ق سپهسالار بطهران احضار شده قبلاً بوزارت عدلیه و خارجه و سپس بمقام صدارت رسید، او ملکم را بطهران دعوت کرده وی را بعنوان مشاور شخصی خود در دستگاه صدارت بکار گماشت، ملکم رساله «مجلس تنظیمات حسنه» را که در حقیقت طرحی از تأسیس مجلس شورا میباشد در این هنگام تنظیم کرده بتصویب صدراعظم و شاه رسانید، افکار روشن ملکم و چاپلوسی هائی که بظاهر میکرد موجب شد که دوباره طرف مرحمت شاه واقع گردید، ملکم دوسال در مشاوره امور دولتی باقی ماند تا اینکه بتحریر و تشویق سپهسالار، شاه عازم مسافرت فرنگستان شد، ملکم که مدتها در اروپا تحصیل کرده و به اوضاع آنجا آشنا بود به پیشنهاد «سپهسالار» بمقام وزیر مختاری ایران در لندن منصوب و چهار ماه قبل از حرکت شاه رهسپار اروپا گردید تا بر نامه مسافرت را تنظیم نماید، ملکم با کلیه مسئولان امور خارجه کشورهای که از ناصرالدین شاه دعوت کرده بودند تماس گرفت و بر نامه مجلل مسافرت شاه را تنظیم نمود.

شاه روز چهارم رجب ۱۲۹۰ ق از طریق روسیه عازم اروپا شده پس از بازدید روسیه و پذیرائی مجللی که از او بعمل آمد بترتیب از کشورهای آلمان و بلژیک و انگلستان و فرانسه و سویس و ایتالیا و اطریش دیدن کرد و همه جا مورد کمال احترام و تجلیل واقع شد. نفوذ و شخصیت او و نزاکت و حسن رفتار گروهی از همراهان باعث

(۱) ص ۶۴ عصر بی خبری.

حسن شهرت و شناسائی ایران در کشورهای اروپائی گردید (۱) .

سفر لندن با عنوان وزیر مختاری برای « ملکم » سفری بسیار میمنت اثر بود زیرا اولاً مذاکره نهائی قرارداد اقتصادی امتیاز بانک و راه آهن بمنظور اتصال دریای خزر بخلیج فارس (با بارون ژولیوس رویتر تبعه انگلیس) که قبلاً بوسیله میرزا محسن خان مشیرالدوله آغاز شده بود بدست او افتاد و طرفی شایسته بست (۲) ثانیاً تجلیل و احتراماتی که نسبت بناصرالدینشاه در کشورهای اروپائی بعمل آمد توجه بیشترشاه را باو جلب نموده لقب « ناظم الملک » گرفت و امتیازهایی بدست آورد . ملکم از آن پس واسطه و دلال انعقاد قراردادهای دولت انگلیس بادولت ایران بود و از این راه استفاده های شایانی برد. (۳)

نخستین قرارداد که بسعی و واسطگی او و بمیل سپهسالار عملی شد قرارداد رویتر بود ولی تنظیم این قرارداد در مردم ایران ایجاد نارضایتی نمود و وسیله پیشرفت نفوذ انگلیسها تلقی شد ، بهمین مناسبت هنگام مراجعت شاه بمرز ایران (بندر انزلی) در طهران تعطیل عمومی شد و تظاهراتی ضد قرارداد و ضد سپهسالار بعمل آمد ، مردم دسته دسته بخانه مرحوم حاج ملاعلی کنی و خانه نایب السلطنه رفته تقاضای لغو قرارداد را نموده و بشاه تلگراف کرده عزل سپهسالار و لغو قرارداد را مصرأ درخواست میکردند . امین الدوله معتقد است که ریشه اصلی تحریکات دردست خود شاه بود، زیرا در روسیه امپراتور روس دوستانه

(۱) ص ۱۷۳ زندگانی من .

(۲) صفحه ۴۴ خاطرات سیاسی امین الدوله . قرارداد قبلاً در ۱۸ جمادی الاولی ۱۲۸۹ در طهران امضا شد و ملکم هم جزو هیئت مأمور تنظیم و امضاء قرارداد بود .

(۳) ص ۶۵ عصر بی خبری .

با انعقاد این قرارداد که قبل از مسافرت شاه امضا شده بود اعتراض کرد و شاه ایران وعده داد که در مراجعت بایران قرارداد را لغو کند، لهذا نخستین گروه معترض بقرارداد شاهزادگان و حواشی شاه بودند که به محض ورود شاه بانزلی در اصطبل سلطنتی بست نشستند و سپس شورش بزرگ شد و تعطیل عمومی در طهران حکمفرما گردید (۱). اما مستوفی در کتاب زندگانی من معتقد است که تعطیل عمومی و تظاهرات طهران نتیجه تحریکات و تبانی فرهاد میرزا معتمدالدوله و کامران میرزا و مستوفی الممالک و چند نفر از علما (بمنظور برانداختن سپهسالار) بوده (۲) ولی نظریه امین الدوله صحیح تر می نماید و متأسفانه ناصرالدینشاه در بستن و شکستن چند قرارداد خارجی دورانیشی نکرد و باعتبار سیاسی خود سخت لطمه زد.

بهر حال شاه در رشت سپهسالار را عزل کرد و پس از ورود بطهران و تنبیه چند نفر از خاطیان و ماجراجویان مجلسی برای رسیدگی بقرارداد تشکیل داد که بالاخره منجر ببلغو قرارداد گردید، سپهسالار بعد از این واقعه دیگر حسن نیتی بملکم نداشت، زیرا دلال قرارداد او بود و هم او بود که سپهسالار را در بستن قرارداد تشویق و تشجیع و اغفال کرد، ولی ملکم در سمت خود باقی بود و در سفر دوم شاه باروپا (۱۲۹۵ق) خوشخدمتی و چاپلوسی را نسبت بشاه از حد گذرانید هم چنین موفقیت در کنفرانس برلین در باره رفع اختلاف مرزی ایران و عثمانی توجه شاه را نسبت باو بیشتر جلب کرد و لقب ناظم الدوله و

(۱) و (۲) صفحه ۴۷ خاطرات سیاسی امین الدوله.

(۲) ص ۱۷۳ ج ۱ زندگانی من.

عنوان « پرنس » گرفت و در اروپا خود را بنام « پرنس رفرماتور » (شاهزاده مصلح) معروف ساخت، این ارمنی‌زاده اصرار عجیب داشت که خود را شاهزاده ایرانی معرفی کند. پس از صدارت دوم سپهسالار ملکم در زمان صدارت میرزا یوسف مستوفی الممالک برای تحکیم موقعیت خود بایران آمده پس از چند ماه توقف بلندن بازگشت (۱۳۰۲ق) در سفر سوم ناصرالدین‌شاه باروپا (۱۳۰۶-۱۳۰۷ق) ملکم بسیار مورد توجه شاه بود و در انگلستان غالباً با اتفاق اتابک درکالسکه شاه سوار می‌شد اما اتابک نسبت بر رفتار و صداقت ملکم مشکوک بود، امین‌الدوله تیرگی روابط اتابک و ملکم را بواسطه نرسیدن حق‌السهم اتابک از رشوه‌ئی که ملکم بابت قرارداد رژی گرفته بود میداند (۱). آقای محیط طباطبائی مؤلف کتاب مجموعه آثار ملکم نوشته است اتابک درین معامله از ملکم انتظار پیشکشی داشت (۲) اما نظریه مؤلف محترم مبنی بر استنباط و احتمال است و دلیلی ندارد.

بهر حال ملکم از حسن عقیده شاه نسبت بخود سوء استفاده کرده يك ورقه امتیاز بخط شاه برای تأسیس لاتاری در ایران بدست آورد، ملکم کار لاتاری را نوعی صرافى معرفی کرد، با این حال شاه دستور داد که ملکم از ورقه امتیاز هیچ استفاده‌ئی نکند تا پس از مراجعت بایران از طریق وزارت خارجه تأیید یا لغو آن اعلام شود (۳).

پس از مراجعت شاه علماء فتوائى بر حرمت لاتاری نوشته و با اتابک

(۱) ص ۱۴۶ یادداشتهای امین‌الدوله.

(۲) مقدمه مجموعه آثار ملکم.

(۳) روزنامه اطلاع شماره ۷۸ مورخ صفر ۱۳۰۸ قمری.

تقدیم داشتند، اتابك هم شاه را، که برعایت حال علما میکوشید وادار بلغو امتیاز لاتاری نمود، شاه دستور لغو امتیاز را صادر کرده از طریق وزارت خارجه ایران بوزیر خارجه انگلستان «سرهنری درومندولف» لغو و بی اعتباری قرار داد تلگراف شد و مراتب ضمن تلگراف دیگر نیز بملکم ابلاغ گردید و تأکید شد که مبادرت بفروش آن نکند (۱).

در اینجا طمع ورزی ملکم را وادار کرد که تلگراف لغو قرارداد را شش روز مکتوم کرده و با عجله امتیاز را بیک شرکت انگلیسی به پنجاه هزار لیره فروخته سپس بوزارت خارجه ایران جواب داد که امتیاز واگذار و قرارداد مبادله شده و دیگر نمیشود لغو کرد (۲).

پاسخ ملکم شاه و اتابك را عصبانی کرده دستور لغو امتیاز و عزل ملکم را با سلب تمام عناوین او تلگرافی بلندن صادر کردند، ملکم که پس از هیجده سال سفارت و موقعیت محترم سیاسی یکباره تمام اعتباراتش سلب شده بود بسیار ناراحت شد و پس از چندی که برای اعاده شئون از دست رفته کوشید و نتیجه نگرفت محض تسکین خاطر جاه طلب و ماجراجوی خود و برای تهدید شاه و دولت با انتشار روزنامه قانون همت گماشت (۱۳۰۷ ق)، در همین اوقات خریدار امتیاز لاتاری که از جریان لغو آن مطلع شده بود ملکم را بعنوان کلاهبرداری

(۱) روزنامه اطلاع شماره ۷۸ و صفحه ۱۴۶ یادداشت های سیاسی امین الدوله.

(۲) مجموعه آثار ملکم، یادداشت های سیاسی امین الدوله (توضیح - کتاب

عصر بی خبری و مجموعه آثار ملکم استفاده او را در مورد امتیاز لاتاری چهل هزار لیره نوشته اند).

در محاکم انگلستان تعقیب کرد گرچه زبردستی ملکم و مناسبات او با دیپلماتهای انگلیسی باعث تبرئه او شد ولی از طرف دادگاه انگلستان بعنوان يك آدم نادرست و بی حیثیت او را سرزنش کردند^(۱) و از این تاریخ بکلی در مجامع انگلستان از وی سلب آبرو شد.

در همین هنگام « ادوارد برون » (رابط وزارت خارجه انگلستان با عناصر ناراحت و ناراضی ایران) با ملکم مناسباتش را گرم و صمیمانه کرد و سید جمال الدین افغانی هم (۲) که خود از داعیان فراماسون و از مخالفان ناصرالدینشاه بود با سینه‌ئی پراز کینه وارد لندن شده در منزل ملکم مسکن اختیار کرده با او در انتقاد از ناصرالدین شاه همصدا شد (۳).

سید قبل از سفر بایران هم با ملکم مربوط بود و در ۱۱ اگوست ۱۸۸۰ (۱۲۹۸ ق) باتفاق زنی بنام آنابلونت که معشوقه سید و واسطه بسیاری از کارهای سیاسی او بود، از پاریس برای ملاقات ملکم بلندن رفته و رابطه دوستی محکمی در میانشان برقرار بود^(۴)، ملکم دیپلمات متلون و سودجو پس از مراجعت شاه از سفر سوم فرنگستان راجع بتأثیر سفر شاه چنین گفته بود: « مراجعت مو کب همایونی البته

(۱) ص ۱۲۲۵ ج ۵ روابط ایران و انگلیس در قرن ۱۹.

(۲) ص ۶۳ مشاهیر المشرق - ص ۳۸ حیات سیاسی سید جمال الدین.

(۳) ص ۱۴۶ خاطرات سیاسی امین الدوله - ص ۱۶۳۶ روابط ایران

و انگلیس در قرن ۱۹ - ص ۱۴۵ انقلاب ایران.

(۴) تصویر شماره ۱۳۱ کلیشه نامه آنابلونت به سید، کتاب مجموعه

اسناد و مدارک سید جمال الدین.

حیات تازه‌ئی بایران آورده حسن تأثیرات این سفر صد مرتبه بیشتر از آن شد که بتصور می‌آمد، معنی و قدرت دولت علیه درهیچ عصری مثل این اوقات در دنیا مرتفع نبوده است، عموم ممالک فرنگستان هنوز هم از کمالات و حسن اطوار و وسعت معلومات بندگان اقدس همایون شاهنشاه ارواحنا فداه مملو تحسین و تعجب هستند و حقیقتاً ذات مقدس‌العلیه حضرت همایون شاهنشاهی در جلب قلوب عموم بزرگان فرنگستان و در ترفیع مقام دولت علیه چنان قدرت و کرامتها نمودند که هیچ مورخ و هیچ شاعر عسری از آن را نمیتواند بیان نماید» (۱) و در جای دیگر گفته «اگر از اسناد تملق نمیتوانم میگفتم در دنیا بحسن نیت و علوهمت ناصرالدینشاه پادشاهی نبوده است» (۲) اما پس از سلب اعتبارات بدون آنکه بتقصیرها و شایادیهای خود بیندیشد و یا حق نعمت متمادی شاه را ملحوظ دارد بمناسبت خانه نشینی سوز قلبش بیشتر و زبان شکایتش گویاتر گردیده از خرابی و بی‌نظمی ایران فریاد میزد و اینگونه اظهارات از قلمش تراوش میکرد: «دولت انگلیس چهارصد کرویر جمعیت دارد و دولت ایران بیست کرویر، باوصف این در طهران بیست مقابل عارض بیشتر هست تا در لندن از فرق این دو حالت فرق میانه ایران و انگلیس را خوب میتوان استنباط کرد، چه معنی دارد که سلطنت ایران در خانواده خاقان مغفور باشد و اولاد خاقان باین شدت خوار و ذلیل باشند حالت دولت حالت پادشاه است ایران

(۱) ص ۱۲۱۳ ج ۵ روابط ایران و انگلیس در قرن ۱۹

(۲) ص ۸۲ مجموعه آثار ملکم .

در دست نادر صاحب آسیا است همان ایران در دست شاه سلطان حسین اسیر ایل افغان است (۱) .

باری ملکم در روزنامه قانون و سید جمال الدین در روزنامه ضیاء الخافقین و برون در مجله آسیائی لندن باهم بضد دولت و سلطنت ناصرالدین شاه همصدا شدند (۲) .

کم کم مندرجات روزنامه قانون سر و صدائی در محافل طهران و ایران راه انداخت لهذا ورود آن منع شد و شیخ محمد باقر یواناتی (که سابقاً در لندن معلم برون بود) و برادر ملکم بجرم پخش روزنامه بعثمائی و بروسیه تبعید گردیدند (۳) و حاج شیخ محسن خان مشیرالدوله سفیر ایران در استانبول نیز بجرم دوستی با ملکم و توزیع روزنامه قانون بطهران احضار و خانه نشین شد. (۴)

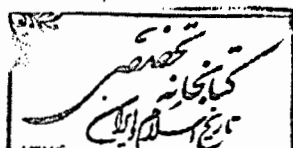
روزنامه قانون در مدت چهار سال جمعاً چهل و یک شماره منتشر شد و بیشتر از همه اتابک را مورد حمله قرار میداد و با عبارتهای رکیک و زننده و باسم «قاطرچی زاده» او را نام میبرد، ضمناً مقاله‌هایی بعنوان راهنمائی مینوشت و انتقادات گوناگون بعمل می‌آورد و نسبت بشاه گاهی حمله و انتقاد میکرد و گاهی تملق و چاپلوسی بجای می‌آورد .

(۱) مجموعه آثار ملکم .

(۲) ص ۱۴۶ خاطرات سیاسی امین الدوله صفحه ۱۶ روابط ایران و انگلیس در قرن ۱۹ .

(۳) ص ۴۸ خاطرات سیاسی امین الدوله .

(۴) ص ۱۴۶ خاطرات سیاسی امین الدوله - حاج شیخ محسن خان فرزند شیخ عبداللطیف طسوجی مترجم کتاب هزار و یکشب میباشد.



ملکم در تمام این مدت با برون خاور شتاس معروف و مأمور مخفی وزارت خارجه انگلستان و بلنت دیپلمات امور خاوری انگلستان و سید جمال الدین افغانی عنصر خطرناک و سیاسی مناسبات نزدیک داشت و منزل او محل اجتماع گروهی از عناصر بی اعتقاد و مشکوک ایرانی بود، این از سالیان پیش شیوه ملکم بود، که ایرانیان آزادی خواه و یاسست اعتقاد قلندر منش مثل شیخ محمد باقر بواناتی و حاجی پیرزاده و امثال اینهارا اعزاز و اکرام میکرد و افکارشان را با هدفهای سیاسی خود همراه می ساخت (۱).

باری، پس از آنکه سید بدعت سلطان عبدالحمید با صوابی دیدم ملکم و برون باستانبول رفت ملکم با انتقاد نویسی ادامه میداد ولی نوشتجاتش طوری بود که در عین حال میخواست جای آشتی را باقی بگذارد تا آنکه در جمعه ۱۷ ذیقعه ۱۳۱۳ هجری قمری توطئه قتل ناصرالدینشاه که قبلاً در لندن طرح شده بود بتحریر شخص سلطان عبدالحمید ثانی پادشاه ستمگر دولت (۲) عثمانی و بدستور سید جمال الدین افغانی و بدست

(۱) ص ۲۹۵ سفرنامه حاجی پیرزاده .

(۲) عبدالحمید در ۱۲۹۳ ق بسلطنت رسید و در ۱۲۹۴ نخستین مجلس شورای ملی را در استانبول گشود و پس از چند ماه آنرا منحل و جمعی از وکلا را تبعید کرد و عده ای از روشنفکران را کشت در ۱۳۲۶ برائرفشار جمعیه های « کمیته ملی عربی ، و « جمعیت اتحاد و ترقی » مجدداً مجلس را گشود ولی بزودی باز توطئه ای برضد مجلس تشکیل داد که بشکست او منجر شد و ارتش مقدونیه بفرماندهی شوکت پاشا استانبول را تصرف و قصر « یلدز » را محاصره کرده بتصویب مجلس عبدالحمید از سلطنت عزل گردید و سلطان محمد خامس بجای او برگزیده شد.

عنصر جنایتکار میرزا رضا اجرا شد، ملکم که چند سال جلوتر فکر چنین حادثه‌ئی در منزل او بین وی و برون وسید جمال الدین عنوان شده بود از بیم اتهام و مغضوبیت و محرومیت بیشتر رساله کوچکی بنام « اشتهاار - نامه اولیای آدمیت » چاپ کرده بایران فرستاد ، در این رساله ساخت ناصرالدینشاه را از خرابیهای زمان سلطنتش بکلی بری دانسته و تقصیر همه نابسامانی‌ها را متوجه رجال دوره ناصری نموده سپس بچاپلوسی و امیدواری نسبت به مظفرالدین شاه پرداخته و رساله‌های اصلاحی و کتابچه‌های پی‌درپی برای شاه نومیفراستاد .

کم کم چاپلوسیهایی او در لفافه پیشنهاد های اصلاحی در شاه مؤثر افتاد و در ۱۳۱۵ ق که امین الدوله بمقام صدارت رسید ملکم با وساطت او بسمت وزیر مختار ایران در رم برگزیده شد و تا پایان عمر درین مقام باقی بود و در هر فرصتی باز به کتابچه نویسی و نامه پرانی و راهنمایی میپرداخت و بیشتر قصدش این بود که نامش بر سر زبانها باشد ، اما بالاخره همه آرزوهای دور و دراز خود را گذارده در سال ۱۳۲۶ ق بیمار شده برای معالجه بسویس رفت و بسن ۷۷ سالگی در آنجا در گذشت و جسد او را بوصیت خودش سوزاندند (۱) و خاکستر او را باحواله پنجاه هزار لیره که از فروش قرار داد لاتاری بجیب زده بود بورتشاش تحویل دادند .

ملکم در حین فوت يك پسر (بنام فریدون) و سه دختر داشته که از آنها اطلاعی بدست نیست (۲).

(۱) مقدمه آثار ملکم نقل از نوشته‌های خان ملک ساسانی .

(۲) ص ۲۹۵ سفرنامه حاجی پیرزاده .

معلومات ملکم

ملکم مردی دانشمند و مطلع بر موز سیاست و اصول سازمان کشورهای مترقی بوده افکاری روشن و پیشرو داشته در بعض از شعب شعبده و چشم بندی ماهر بوده فارسی را بسادگی و شیرینی می نوشته بطوریکه در نویسندگی صاحب سبک و روش مخصوصی شناخته شده است (۱) زبان فرانسه و انگلیسی و ترکی استانبولی را بخوبی مدانسته و همین دانستن زبان خارجی موجب وسعت اطلاعات او از نظام تمدن جدید بوده است .

افکار ملکم

ملکم مردی روشنفکر و دقیق بوده رساله های او که بعنوان پیشنهاد برای ایجاد سازمانهای کشوری تنظیم شده بهترین دلیل روشنفکری و عمق مطالعات اوست ، اول کسی که کلمه قانون را در ایران رواج داده و اول کسی که پیشنهاد ایجاد مجلس شورا نموده و نیز اول کسی که فکر تأسیس بانک ملی را در ایران عنوان کرد شخص ملکم میباشد و افکار او در بیداری ایرانیان نقش مؤثری بازی کرده است . از افکار جالب ملکم تقدیم دو طرح یکی بر ضد رشوه خواری و رشوه دادن و دیگری برای جلوگیری از تعدیات مأموران دولت میباشد ، این افکار ملکم بعدها بصورت های گوناگون در قوانین ایران گنجانده شد و حتی در سالهای اخیر در قالب قوانین مبارزه با فساد ، از کجا آورده ای ؟ تشکیل شورای دولتی برای رسیدگی بشکایات مردم از اعمال دولت ، درآمد که هنوز هم نتیجه نرسیده است .

(۱) ص ۲۷۴ ج ۳ سبک شناسی .

عقاید ملکم

ملکم در عین حال که به بیداری افکار مردم و ایجاد عدالت و قانون در ایران اظهار علاقه میکرد خودش هدف و عقیده صحیحی نداشته مسلمانی و حتی ایراندوستی او ظاهری و فقط برای موفقیت در نیل بمقامات سیاسی بوده زیرا همین مدعی مسلمانی وقتی از طرف دولت ایران باستانبول تبعید شده و شغل و مقامی نداشته در آنجا قبول مسیحیت نموده و در کلیسای «ایا استفانوس» با «هانریت» دختر ثروتمند ارمنی بشیوه دیانت مسیح ازدواج کرده است (۱) و همین عالیشان زمان دیگر که وزیر مختار بوده برای حفظ موقعیت سیاسی خود دستور داده است جسد پدرش را از قبرستان ارمنی های استانبول بقبرستان مسلمانان انتقال دهند (۲) اما جسد خودش را بر خلاف قانون اسلام دستور سوزاندن داد (۳).

ملکم که مروج مرام فراماسونی بود و در ایران بتشکیل این جمعیت اقدام کرد بحکم اصول فراماسونی نمیتوانست بدین ولایت و وطن معتقد و وفا دار باشد زیرا تشکیلات فراماسونی مسلک و مرامی غیر از این دارد و بر اساس حریت فکر و آزادی مطلق عقیده بنا شده و هدفش تحریک بشورش و انقلاب در کشورهای عقب مانده بنفع استعمار میباشد و این هدف را در عناوین اصلاحی و تربیتی و برابری و آزادی مستور میدارد (۴). خود ملکم در یکی از نوشته هایش گفته است

-
- (۱) ص ۱ مقدمه آثار ملکم.
 - (۲) ص ۲ کد مقدمه آثار ملکم.
 - (۳) ص ۱۲۸ تاریخ بیداری.
 - (۴) ص ۱۵ مقدمه آثار ملکم.

« کیفیت انجمن‌های فراماسونی را در ایران در لفافه دین پوشیدم » (۱)
 یعنی دین را آلت پیشرفت مقاصد سیاسی خود قرار داده است، انگلیسها
 بوسیله همان محافل توانستند جمعی از رجال ایران را اسیر دام
 فراماسون کنند و از وجود آنها در انقلاب مشروطه استفاده نمایند (۲).
 نمونه دیگر از بی‌غقیدگی ملوک نسبت بملیت و دین و وطن این
 است که هنگام بیکاری در استانبول بصدد ترك تابعیت ایران برآمده
 بملت و دولت ایران هتاکی میکرد و آماده جاسوسی بر ضد مصالح
 ایران و بسود دولت عثمانی شده بود (۳).

بدیهی است با چنین خصوصیات اخلاقی و با چنین بی بند و باری
 اظهارات ایران‌دوستی و مین‌خواهی ملوک هرگز نتوانسته صادقانه باشد،
 ملوک در جلب منفعت حریص بوده و پول چشم تعقل او را می‌بسته و
 حیثیت خود و دولت خود را در برابر پول فراموش میکرد، چنانکه
 در مأموریت مصر اخاذی از اسمعیل پاشا باعث عزل او گردید (۴)
 ولی باز متنبه نگردید و با استفاده‌هایی که از تنظیم قرارداد « روتر » و
 « رژی » برد (۵) طبع حریصش سیر نشد و با استفاده نامشروع و خلاف
 شئون دولت ایران از قرار داد لاتاری پرداخت که منجر بسلب تمام
 عناوین از او شد. و دادگاه انگلستان او را بی‌شرف خطاب کرد (۶) ملوک
 مردی خود خواه و حق ناشناس بود، با آنکه ناصرالدین‌شاه او را بمقام

(۱) ص ۶۴ عصر بی‌خبری.

(۲) ص ۱۸۶۴ روابط ایران و انگلیس.

(۳) ص ۱۲۱۸ و ص ۱۸۲۳ روابط ایران و انگلیس در قرن ۱۹.

(۴) ص ۱۸۱۶ ج ۲ روابط ایران و انگلیس در قرن ۱۹.

(۵) ص ۴۴ خاطرات سیاسی امین‌الدوله ص ۱۰ مجموعه آثار ملوک.

(۶) ص ۱۲۶۵ ج ۵ روابط سیاسی ایران و انگلیس.

وزارت مختار و سفارت بر گزید و هفده سال با این سمت عالی در انگلستان بود و استفاده‌های سرشار برد وقتی از مقام خود عزل گردید بخطا کاریها و ناپاکیهای خود نیندیشیده شروع بنشر روزنامه قانون و هم‌قلمی با برون در مجله آسیائی لندن و همکاری با سید جمال الدین در «نشریه ضیاء الخافقین» علیه ناصرالدین‌شاه کرد و با کسانی مثل بلنت سیاستمدار شرقی انگلیسی نویسنده کتاب «اسرار تصرف مصر بدست انگلستان» و برون خاورشناس فتنه‌جو و سید جمال الدین مرد مغرور و خطرناک طرح دوستی صمیمانه ریخته علیه شاه و حکومت ایران قلمفرسائی و توطئه میکرد (۱) در حالیکه در زمان سفارت طولانی خود بکلی زبان را از عیبجوئی بسته بود و شاه را با متملقانه‌ترین عبارات میستود. دیگر از دلایل شیادی ملکم این است که در تشکیل محفل فراماسون ایران خود را داعی محفل اعظم فراماسونی شرق فرانسه معرفی میکرد و سالها این عنوان مجعول را بخود بسته بود تا در اواخر کار مسیو ویزیور فرانسوی سرپرست مدرسه آلیانس و نماینده محفل اعظم فراماسونی فرانسه به ایران آمده عملیات ملکم را خود سرانته و او را بنام جاعل عنوان در اروپا معرفی کرد. (۲)

بدنامی جعل عنوان «داعی فراماسون» و بدنامی اخاذی در قضیه لاتاری ملکم را در اروپا بی آبرو کرد و دیگر این شاهزاده مصلح ! «رفرماتور» هرگز نتوانست حیثیت سابق خود را بدست آورد.

نظریات مختلف درباره ملکم

بلنت انگلیسی در یاد داشتهای خود، ادوارد برون در انقلاب ایران و ژنرال سرپرسی سایکس انگلیسی در کتاب تاریخ خود راجع بایران

(۱) ص ۶۵ عصر بی خبری . (۲) مقدمه آثار ملکم .

و ظل السلطان در تاریخ مسعودی از ملکم به نیکی یاد کرده و او را ستوده اند. دلیل حسن ظن برون و بلنت و سایکس نسبت بملکم اشتراک عقیده آنان در مسائل سیاسی راجع بایران میباشد ژنرال سایکس در عین حال وطن خواهی ملکم را دروغی دانسته است (۱)، ظل السلطان هم بمناسبت خصومت با اتابک ملکم را ستوده و از نابکاریهای او لب فرو بسته است. ناظم الاسلام در تاریخ بیداری و مستوفی درزندگانی من نیز از ملکم به نیکی یاد کرده اند ولی ناظم الاسلام بیطرفانه از بعضی شیادیهای او پرده برداشته است، اعتماد السلطنه ملکم را به خیانت و دشمنی با اساس حکومت ایران متهم کرده است و معتقد است که ملکم هرچه گفته و نوشته فقط برای اظهار شخصیت و خودنمایی بوده و او را «رهبان لندن» خطاب میکرد (۲).

امین الدوله با آنکه باملکم دوست بوده جانب حقیقت را رعایت کرده ضمن ستودن هوش و درایت ملکم بی اعتقادی و وقت طلبی او را هم یاد کرده است. کتاب عصر بی خبری با اسنادی که ارائه داده ملکم را دلال رشوه خوار انعقاد قراردادهای دولت انگلستان با دولت ایران معرفی کرده است (۳).

آقای محمود محمود محقق دانشمند در تاریخ روابط ایران و انگلیس پس از ذکر سودجوئی ها و وقت طلبی های خاص ملکم قضاوت بسیار جالبی کرده و گفته است «اگر سوانح و اتفاقات ایران بدخواه ملکم پیش میآمد در خط آزادیخواهی نمیافتاد» (۴).

(۱) ص ۵۶۸ ترجمه تاریخ ایران تألیف سر پرسی سایکس انگلیسی .

(۲) مقدمه آثار ملکم، روزنامه اطلاع ش ۷۸ (۳) ص ۶۴ عصر بی خبری.

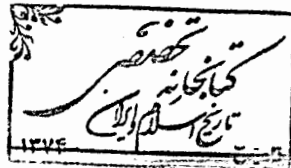
(۴) ص ۱۲۲۵ ج ۵ تاریخ روابط ایران و انگلیس در قرن ۱۹ .

از گفته های ملکم

ظلم مصدر است ، اسم فاعل او ظالم و اسم مفعول او مظلوم است . دفع و رفع ظلم که مصدر است موقوف و بسته بر این است که یا ظالم ترك ظلم کند و یا مظلوم متحمل ظلم نشود . مدت ده هزار سال جمیع انبیاء و حکماء و شعراء بجهت رفع ظلم بظالم وعظ و نصیحت گفتند . و نتیجه تصور خودشان را هر يك بطوری از قوه بفعل آوردند ، مثلاً انبیا در ترك ظلم بهشت وعده کردند و حکما ظلم را باعث زوال دولت دانسته و عدل را موجب دوامش گفته اند و شعرا ظلم را مذمت کرده عدل را ستوده اند بخاطر اینکه ظالم اختیار عدالت کند . با تجارب کثیره مبرهن شده است که همه این زحمات بیفایده می ماند و نصیحت در طبیعت ظالم مؤثر نمی افتد . حالا عقلاً فهمیدند که بجهت رفع ظلم اصلاً بظالم نباید پرداخت بلکه بمظلوم باید گفت : تو چرا متحمل ظلم میشوی ؟ و قتیکه مظلومان از این افکار عقلاً واقف گشتند حمیت نمودند و برای آسایش خودشان قوانینی وضع کردند که هر کس از افراد ناس مباشر اجرای همان قوانین میشود و اصلاً کسی بزیردستان یارای ظلم نخواهد داشت ، این است نتیجه قانون .

(پایان)

دی ماه ۱۳۴۲



این جزوه با کمک آقای سید ذبیح الله ملکپور
رئیس محترم انجمن ادبی حافظ چاپ شده است .